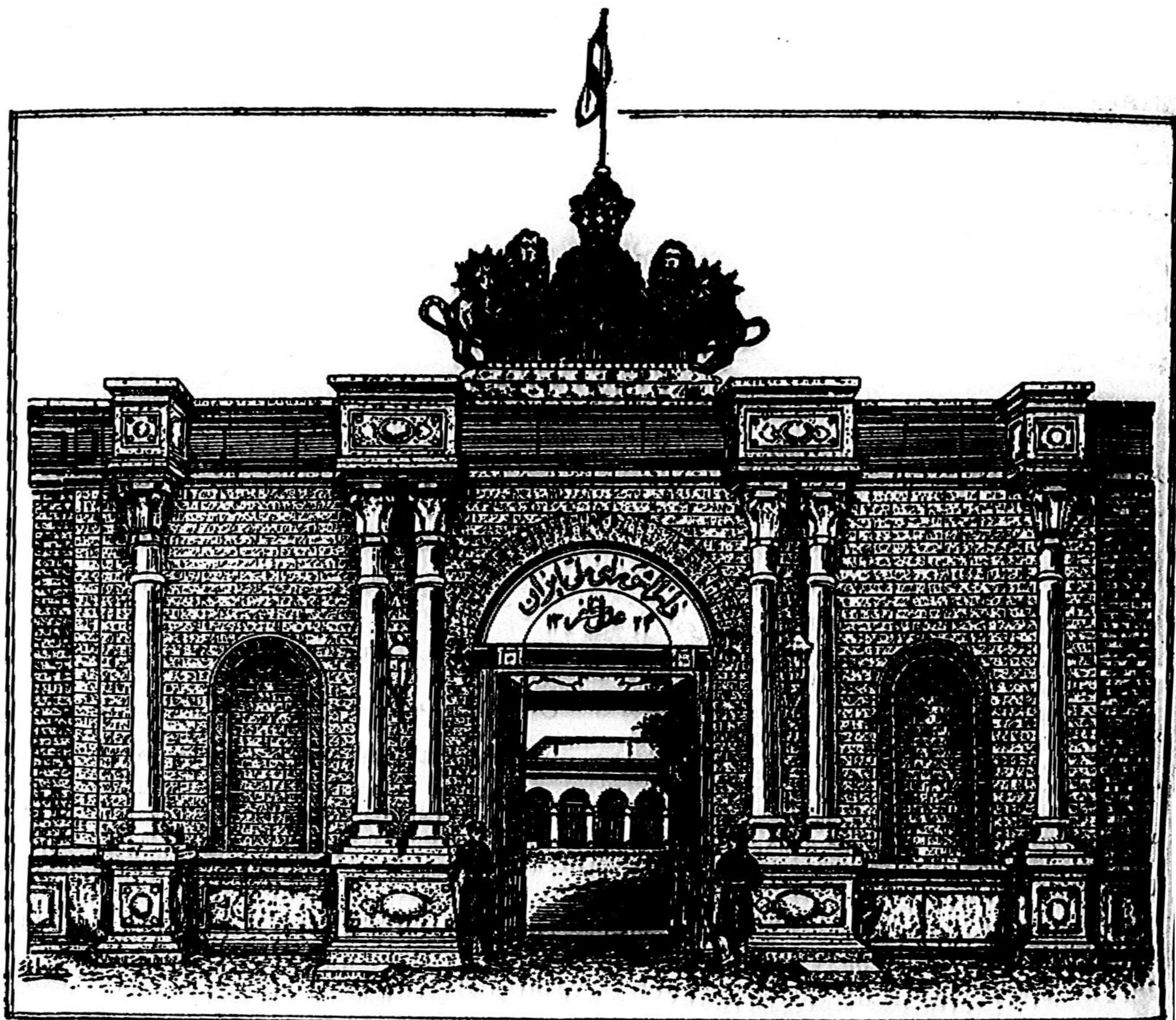


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت به لایحه مجازات مختلسین اموال دولتی و تصویب آن	۲۸۶۸	۲۸۸۲
۲	قانون مجازات مختلسین اموال دولتی		۲۸۸۳



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ جادی الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۷

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس روز سه شنبه ۱۴ آذر ماه را آقای بقی سلیمان قرائت نمودند)

رئیس -- در صورت مجلس ایرادی هست یا نه ؟
 (گفتند - خیر)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد در جلسه گذشته قرائت شد توضیح هم دادند حالا باید رأی بگیریم.

بامداد - اجازه میفرمائید؟ بنده آن را مسترد میدارم بجایش يك پیشنهاد دیگر تقدیم کرده ام.

رئیس - همان پیشنهاد است، پیشنهاد کرده اید که از اول مشروطیت باشد، قرائت میشود و رأی میگیریم (شرح آن خوانده شد)

پیشنهاد میکنم، مختلسین از اول مشروطیت تا بحال مشمول این قانون بوده باشند

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(بواسطه کثرت نشست و برخاست بعضی از آقایان نمایندگان عده موافقین متزلزل بود و رأی مشکوک فیه شد

رئیس - اگر اجازه میفرمائید با ورقه رأی بگیریم؟ بعضی از نمایندگان - صحیح است

آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم این پیشنهادی که شده مذاکره درش نشده است

رئیس - در جلسه گذشته مذاکره شده است عده کافی نبود که رأی بگیریم.

آقا سید یعقوب - این پیشنهاد نبود

رئیس - عین همین مطلب را شفاهاً گفتند و توضیح دادند چون عده کافی نبود بنام این جلسه رأی بگیریم

(اخذ آراء بعمل آمده ۴۳ ورقه سفید تعداد شد)

اسامی رأی دهندگان

آقایان - خواجوی - بامداد - عصر انقلاب - کی

استوان - میرزا هاشم آشتیانی - بهار - میرزا سید مهدی معتمد - بدر - شیخ الاسلام ملایری - حاجی میرزا مرتضی - کلانی - احتشامزاده - نکهبان - عراقی - امام

جمعه اهر - ثقة الاسلامی - دهستانی - زوار - افشار

پیشنهاد میکنم که حد مرور زمان برای اختلاس کمتر از ده هزار تومان پنج سال و برای ده هزار تومان و بالاتر بیست سال تعیین شود، حسن تقی زاده،

تقی زاده - توضیحاتی که برای این کار لازم است در جلسه گذشته نا اندازه عرض کرده بودم و از

بیانات که آقای وزیر عدلیه فرمودند معلوم شد در يك جزئیات که خیانت بدولت را جزء این کار کرده بودم

بنده اشتباه کرده بودم باین معنی که در جلسه اول هفت ماده را میخواستند نسخ کنند و این مواد را

بجایش بگذارند و در جلسه گذشته فقط سه ماده بود و بنده که خواندم معلوم شد که خیانت دولت جزو

بیست و نهم سال خیلی کم است و اگر کسی بطور مثل عرض میکنم، درین مثلها باید خیلی دقت کرد که يك قدری

منطقی باشد یعنی نشود حمل بر مغالطه کرد و ما که میگوئیم پنج سال کافی نیست و باید قبل از پنج سال

هم اگر کسی خیانت کرده باشد مجازات کرد نباید باین مثل زد که اگر کسی در زمان فتحعلی شاه یا در زمان

شاه عباس هم کاری کرده باید مجازات کرد، این جور مقصود نیست، خوب بنده هم در مقابل این میتوانم

بگویم که اگر کسی پنج سال و دو ماه قبل از این پول دولت را خورده باشد معاف است پس لهذا برای

اینکه حد وسطی قائل شویم و دیدم که توجه آقایان هم باین است که سختگیری کمتر باشد این بود که عرض

کردم برای مبالغ جزئی تر تا ده هزار تومان (بعضی آقایان میفرمایند ده هزار تومان هم زیاد است) بنده

این پیشنهاد را کردم انشا الله اکثریت مجلس رأی میدهد اگر ده هزار تومان و کمتر باشد همان پنج

سال را قبول دارم و اگر بیشتر باشد (مبالغ کلی کسانی که اختلاس کرده اند) از بیست سال

باین طرف (که در واقع نظرم باز بهمان از اول مشروطه باین طرف بوده است) باید تعقیب و مجازات شوند

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

وزیر عدلیه - بنده اصل قضیه را واگذار میکنم بنظر مجلس ولی يك توضیحی را در این جا لازم دانستم

بدهم و آن اینست که در هر صورت مال دولت يك مالی است که نمیشود بصرف اینکه بیش از پنج سال از

گذشته است صرف نظر کرد در اصل قضیه قسمت حقوقیش باقیست و این مرور زمان فقط از نقطه نظر مجازات

است

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

مدرس - بلی حقوقیش تا صد سال دیگر هم باقیست این جزائیش است

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

وزیر عدلیه - این را میخواستم عرض کنم که برای بعضیها سوء تفسیر نشود و زمان برای استرداد مال

باقی است

مدرس - تا صد سال هم باقیست .

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضارفعی - عرض کنم بنده توجه آقایان را جلب میکنم مذاکرات جلسه گذشته همین آقای تقی

زاده که در مقابل پیشنهاد آقای عراقی فرمودند که گاهی آقایان بقدری عصبانی میشوند که يك کسی افتاده

بجس

تقی زاده - این برای آینده است

رفیع - میخواهند پوستش را هم بکنند، قوانین شرع بالاخره برای مادستور کلی است ما میبینیم باینکه سارق را شارع مقدس حکم کرده است که باید دستش را برید اگر ده تومان باشد باید دستش را برید ده هزار تومان هم باشد باید دستش را برید برای چه؟ فلسفه اش شاید این باشد که بالاخره وقتی بکدست را بریدند دیگر دزد پیدا نمیشود و می بینند که دزدی کرده است دستش بریده شده، حالا ما این جا بیائیم نمره

بگذاریم که اگر این آدم ده هزار تومان دزدیده اجرای مجازات او ناده روز باشد اگر بیست هزار تومان است آن طور باشد بالاخره این برعکس آن فلسفه است که ما داریم زندگان، میکنیم زندگان عامه مردم زندگان شرعی است مملکت مملکت اسلامی است بالاخره تمام آنها برای ما دستورات است. آقا را توجه میدهم به مذاکره جلسه قبل خودشان. اینهمه هم نشتت نداشته باشند شما همین را که قرار دادید که آن کسی را که پانصد تومان دزدیده مجازات بکنند دیگر دزد بیست هزار تومان پیدا نمیشود دیگر صد هزار تومان پیدا نمیشود. تمام این دزدها و کردن کلفتها که در این مملکت بودند برای این بود که قانون مجازات نبود و اگر بود مجازات شرعی بود که مجری نمیشد. اگر قوانین شرع مجری شده بود شما این قوانین را ابداً لازم نداشتید باین جهت بنده با این پیشنهاد مخالف هستم.

تقی زاده - این مال گذشته است نه آیند
مدرس - حقوق قابل مرور زمان نیست.

رئیس - آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پس از عبارت « تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد) نوشته شود (و افلاس یا عدم تدلیس مجرم را محکمه صالحه تصدیق کرد)

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود عبارت قانون این است: هر گاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق ادا نکنند مطابق ماده دوم قانون جوازای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل و غرامت را بپردازند و هر گاه ناپس از ده سال حبس اصل مال و غرامت

پرداخته نشد و ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد. بنده اینجا عرض کردم این اشخاص که بک اختلاسهای کوچکی دارند ممکن است که پس از ده سال چیزی هم نداشته باشند و مرخص شوند. اما ممکن هم هست بک اشخاصی که اختلاس های بزرگی را کرده اند شاید حاضر باشند ده سال حبس را بدهند و پس از ده سال بیایند بیرون و صاحب بک مکتب و مولی باشند. این است که بنده پیشنهاد کردم که پس از ده سال در صورتی که معلوم شد این آدم مفلس است آنوقت وزیر عدلیه بتواند پیشنهاد بکند و پادشاه او را عفو کند ولی در صورتیکه معلوم شود که این شخص دارد و نمی دهد باید غرامت را بدهد. این است که بنده پیشنهاد کردم که هر گاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد و افلاس یا عدم تدلیس مجرم را محکمه صالحه تصدیق کرد ممکنست پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد. اما ممکن است که مال را خودش اختلاس کرده باشد و انتقال بیک کسی دیگر داده باشد که برایش نگاه دارد که اینهم تدلیس است اگر اینصورتها نبود و واقعاً معلوم بود آن شخص را ممکن است عفو بکنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بک موضوعی را خدمت آقای عدل عرض کنم اولاً این اختلاس ها فعلاً بک صورتی پیدا کرده است اساسش بواسطه خاطر این بوده است که همیشه از وقتی هم که داخل در تشکیلات بوده ایم فریاد میزدیم که چرا قانون مجازات نیست بعد هم که قانون مجازات آمد تاخیر کردیم. بک اختلاساتی که ملاحظه میفرمائید واقع شده است برای این بوده است که بک قانون مجازات بموقع اجرا گذاشته نشده است حالا که بک وزیر عدلیه جدی آمده است و گفته است

و مقامات عالیه هم تعقیب کرده اند و میگویند قانون مجازات باید بموقع عمل گذارده شود شما دعا کنید که این مسائل راست باشد و قانون بموقع عمل بیاید اگر قانون مجازات بموقع عمل بیاید مسلم این ترتیبی که شما میفرمائید صورت خارجی پیدا نمیکند که بکنفری پانصد هزار تومان یا صد هزار تومان مال دولت را ببرد و بعد هم ده سال حبس بشود و بعد وزیر عدلیه وقت بیاید پیشنهاد بکنند و رئیس الوزراء تصویب کند و پادشاه وقت عفو کند این بک مواعی است که محل وقوع ندارد تمام این اختلاس ها برای خاطر عدم اجرای قانون مجازات است. پس از اجرای قانون مجازات خدای واحد شاهد است هیچ ملتی مثل ملت ایران نمکین کننده از قانون نیست، بلی وقتی که قانون نباشد بک کار هائی میکنند. به مجرد اینکه قانون آمد ملت مطیع و برد بار و صبور و کاملاً مطیع قانون خواهند بود، پس این فرضی را که شما کردید گمان میکنم این فرض وجود خارجی نداشته باشد. این بک مسئله. در این پیش هم خواستم توجه بدهم آقای وزیر عدلیه را؛ این عبارتی که در ماده بک نوشته شده است که مال غیر. مراد از این مال غیر نه تنها دولت است بنده که یکی از پیشنهاد کنندگان ماده بودم از این مال غیر مراد این است که اعم باشد یعنی اینکه چه مال دولت را ببرد و چه مال شخص دیگری را هر دورا شامل میشود. مبدا بکوقت محکمه در تحت بک فلسفه بیاید بگوید انصراف دارد، مقصود ما اعم است چه مال دولت را ببرد و چه مال غیر فرق نمیکند، این بوده است غرض ما حالا شما هم ملتفت باشید.

وزیر عدلیه - در قسمت پیشنهادی که مطرح است بنده تصور میکنم که اصلاً مسترد ندارند بهتر است و در مراحل و اگذار میکنم بنظر مجلس. و اما در قسمت اخیری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند بنده گمان نمیکنم که هیچ محتاج باز توضیح بوده باشد. این

طبیعی است وقتی که گفته میشود مال غیر یعنی غیر از مال خودش، آن کسی که امین صندوق بوده است اگر مال غیر را برداشت معلوم است که آن مال تعلق به غیر خودش دارد اعم از اینکه مال دولت باشد یا غیر. و این هیچ محل شبهه و تردیدی نیست.

آقا سید یعقوب - بسیار خوب.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای عدل آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای خطیبی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.
تبصره - چنانچه مجلس مالی را که اختلاس کرده است بدبگری واگذار کند دولت مکلف است عین مال را مسترد بدارد

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - مقصود بنده از این پیشنهاد این است که ممکن است بک مجلسی برود صد هزار تومان دو بیست هزار تومان اختلاس کند بعد آنرا بعنوان توریه به دیگری انتقال دهد اگر چنین اتفاقی افتاد دولت مجاز باشد که آن چیز انتقال شده را از آن کسیکه باوانتقال داده شده است پس بگیرد.

رفیع - صحیح است شرعاً هم همینطور است

وزیر عدلیه - بک دفعه دیگر خوانده شود

(پیشنهاد آقای خطیبی ثانیاً خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم که این ماده مقصود بودی را که آقا دارند نامین میکنند یا نه؟ پول نقد را اگر بر داشته است بکسی بدهد لازم نبوده سندی مبادله کند که معلوم شود انتقال داده است و بشود از او گرفت. اگر مقصود این است که ملکی خریده باشد و بعد باسم دیگری در آورده باشد یا ملکی باسم دیگری خریده باشد

در اینصورت باید پیشنهادی بکنند که غیر از این باشد که هم شامل بشود و هم عین مال نباشد «عین» عبارت از آن پولی است که داده است بنده تصور میکنم اگر پیشنهاد را يك صورتی بدهند که این مقصود را رساند موافقت بشود. یعنی اشکالی درش نباشد چون عین مال اشکال دارد.

عمادی - بنده هم همین پیشنهاد را کرده ام بهتر هم هست.

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی هم قرائت میشود (شرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد منباجم که تبصره ذیل ضمیمه شود. تبصره - چنانچه مجلس از این مال هر نوع ملك یا سایر معاملات نمود و انتقال بغير نموده و دعوی فلس نماید عین آن ملك و غیره را دولت در عوض مال خود و يك مقابل آن بگیرند

رئیس - آقای عمادی

عمادی - قصد بنده از این پیشنهاد این است که وقتی این مجلسین ملتفت این حکم جزائی شدند (این ترتیب هم گاهی معمول به مردم است) این پول را ملكی میخرند و به اقوام خودشان با اشخاص دیگر منتقل میکنند برای فرار از جزا و همان ده سال حبس را قبول کند بخيال اینکه آن ملك برای من باقی است باین جهت بنده پیشنهاد کردم که اگر چنانچه بعد از اختلاس از این پول ملكی خریده باشد و بغير انتقال داده باشد آرا عوض مال خودش بگیرند.

رئیس - رأی گرفته میشود قبلاً به پیشنهاد آقای خطیبی

وزیر عدلیه - اگر اجازه میفرمائید هر دو پیشنهاد را بیاورند تا پیشنهاد های دیگر خوانده شود بنده يك صورتی درست کنم که شاید هر دو آقایان موافقت کنند

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بطور تبصره اضافه شود - در صورتی که محبوس در مدت حبس و جوه مأخوذه را مسترد بدارد مدت حبس اول به پنجسال تخفیف حاصل میشود

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - چون در اینجا معلوم نکرده است که اگر يك کسی وجه را بدهد با او چه معامله می کنند ممکن است اگر وجه را از او مأخوذ کنند او را هیچ حبس نکنند باین دلیل بنده پیشنهاد کردم که در صورتی که وجه را مسترد بدارند باز يك مدت حبس بواسطه آن عملی که کرده است بشود. اینجا فقط گفته است از مجلس وجه مسترد خواهد شد و در صورتی که وجه از او مسترد شد مجازات دیگر برای او معین نکرده اند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقا توجه فرمودند که اگر این قانون باینصورت بگذرد در قسمت دارد یکی راجع باشخصی که سابق اختلاس کرده اند یکی هم راجع به آنهایی که از این به بعد اختلاس میکنند که مشمول ماده دومند که در ماده دوم وقتی وارد شدیم نظیرمان معلوم میشود. ولی این ماده راجع باشخصی است که تا بحال اختلاس کرده اند یعنی باحالا در تحت تعقیب هستند با هنوز نیامده اند این دیگر حبس ندارد وقتی که پول را داد باید او را رها کنند. برای اینکه اصل ماده این است که او را بگیرند حبس کنند تا پول را بدهد وقتی که پول را داد و لاش کنند برود بی کارش

آشتیانی - چطور پول کنند!

آقا سید یعقوب - خوب قانون این است که مجلسین قبل را باید حبسشان کنند تا مال را ازشان بگیرند و و لشان بکنند دیگر مجازاتی نکنند.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد

آقای عباس میرزا آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه اند. پیشنهاد آقای بامداد

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پنجسال به پانزده سال تبدیل شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - سه جلسه است این قانون در مجلس مطرح است. نه هزار تومان اقلاً برای ما تمام میشود... رفیع - دوازده هزار تومان.

بامداد - دوازده هزار تومان؟ بهتر. آنوقت نتیجه این باشد که برای چند نفری قانون بگذاریم این حقیقه درون مقام مجلس است و در ضمن هم این چند نفر مشمول این قانون شوند با يك مجازات شدید تري آنوقت يك عده مجلسین عمده ای که هیچکدام از آقایان نیستند مگر اینکه دو سه نفرشان را میشناسند از میان بروند در صورتیکه مال عمومی و در دست هر کس باشد و هر وقت باشد میشود گرفت دزد را هر وقت بگیرند دزد است و باید او را گرفت. مجلس را هر وقت بگیرند مجلس است و باید گرفت. مال این مردم بد بخت بینوا را بردن و آنوقت ملك خریدن، پارک خریدن، یا بمصارف یا مشروع رساندن، یا در فرنك عیاشی کردن به کدام قانون رواست؟! این عطف ما سبق هم نمی شود. حالاشما میخواهید تخفیف مجازات بدهید در تخفیف مجازات عطف ما سبق هم عیبی ندارد بنده عرض میکنم که اگر واقعاً يك نفری در مالیه در چند جا اختلاس کرده است و اسناد و دوسیه های آن هم هست و اقرار هم میکنند مثلاً رفته است کرمان فلانقدر چاییده است و دارد و الان دو تاده شش دانگ خریده است و تفریح میکند. اگر شما بپایید و بگوئید که بده بد کرده اید؟ اگر پنجسال و دو ماه برد پنجسال و دو روز بود (بيك قانونی از نقطه نظر مادیات و خیلی دقیق نگاه کنید) خوب پنجسال و پنجساعت بود این شخص دیگر مرفه است؟ اگر این قانون را

نگذاریم بهتر از این است که پنجسال بگذاریم و يك عده ای را راحت کنیم. بنده میدانم آنها را تعقیب نخواهند کرد ولی بگذارید اقلاً بگذردی دغدغه خیالی بکنند يك قدری وجدانشان ناراحت باشد که بگویند يك روزی خواهد آمد که ما را به محکمه بکشند. همه مردم از این مجازاتی بستوه آمده بودند همه متفکر بودند از اینکه هیچ جایی کسی مجازات نمیشود ولی در ضمن بگذارند داشتند میکنند يك روزی اینها به محکمه کشیده میشوند این قانون میآید این روز را هم از ما بگیرد اینها را مرفه میکند. پس بنا بر این حالا که از بدو زمان مشروطیت را قائل نشدید پانزده سال قرار بدهید که اقلاً این مجلسین عمده ناراحت بشوند. بنده میدانم مجازات نمیشوند اقلاً ناراحت شوند حالا بسته است بنظر آقایان نمایندگان محترم

وزیر عدلیه - اگر قسمت آخر بیانات نماینده محترم نبود بنده هم صحبت نمیکردم و آن قسمت عبارت از این بود که گفتند من مطمئن هستم که مجازات نخواهند شد...

بامداد - پیشی ها را عرض میکنم. وزیر عدلیه - عرض کنم آقا میدانم شما این قصد را نداشتید ولی این رویه حد اقلش این است که دلسرد میکنند آن کسی را که میخواهد يك کاری بکند وقتی يك کسی خواست يك کاری بکند متحیر میماند چه بکند يك قانون مجازاتی بوده است ملازم ترین و بهترین و راحت ترین قانونها از برای اشخاصی که میخواهند اختلاس کنند يك ماده هم درش گذاشته بودند بطوری که اصلاً اشخاصی را که می گفتیم تعقیب کنیم نمیشد تعقیب کرد. آمدیم تفسیر کردیم باشکال دیگر خوردیم. این صورت را آوردیم اول مدت را ده سال قرار دادیم آقایان خواستند ملازم تر بشود و يك پیشنهادی کردند که زود تر پیدش برود پنجسال کردند حالا متصل در اطراف این قانون پیشنهادات هم میشود که از اول

مشروطیت « ده سال پیش » « بازده سال پیش » آقایان هم البته دلیل هائی دارند از وضعیات و مثل این است که هر کدام آقایان هم (دلنگی که از این مسئله دارند که در این مملکت چرا مجازات نیست گناهش را گردن بند، میگذارند و هر کس در ضمن يك چیزی میگوید. خوب آقا اگر میخواستیم يك کاری بکنیم که این قانون بود. و بهترین وسیله این است که قانون جلوگیری بکنند ولی البته ابتدای کار ما است نازه مشروع بکار کرده ایم و سایرمان ناقص است باید اینها را فراهم آورد قانونش را گذراند زینبیش را داد تا وقتی که آن اشخاصی که يك کار هائی کرده اند و قابل تعقیب هستند مجازات و تعقیب بشوند. در هر حال عرض کردم اگر آن کلمه آخر نبود عرض نمیکردم....
 نامداد - آزا پس میگیرم شما قبول کنید.

وزیر عدلیه - بنده عرض کردم مدتی را که بنده آوردم ده سال بود آقایان خواستند تخفیف بدهند پنجسال کردند. يك قسمت دیگر آقای نامداد اظهار کردند راجع باینکه مسئله عطف بما سبق را می بینم بد تعبیر میکنند این نکته را بنده هم میخواهم بکقدری درش حاشیه بروم بنده هم همان عقیده را دارم اگر واقعا معنای صحیح کلمه عطف بما سبق میشد بنده هم این قانون را نمی آوردم اشتباه نباید کرد که يك مسائلی است در يك مملکتی که باید بر حسب عادات جاریه و قواعدی که آن مملکت را اداره میکنند آنها تعقیب شوند و يك مسائلی است که آن قوانین و عادات آنها را کنار میگذارد و آنها را قابل مجازات و تعقیب نمیداند. وقتی که میگویند قانون نباید بیاید و عطف بما سبق بشود (که آنهام يك اصلی است که برای آنهام يك مستثنیای عقل اجازه میدهد که انسان باید قائل شود) وقتی که این حرف را میزنند مقصود این است که اگر يك عملی جزء اعمالی بوده است که مجاز بوده است مباح بوده است و میشود این کار را کرد آزا نباید يك روزی بگویند که از بازده سال

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده قطع نظر از فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه فرموده میخواهم تذکر بدهم از نقطه نظر اصولی که آقای نفی زاده فرمودند که ایشان در این باب خیلی اصرار دارند که ما مجازات مجرمین قبلی را بطور شدیدی بکنیم مدتش را هم خیلی ببریم جلو. يك ماده از قانونی که در دوره پنجم در کمیسیون عدلیه گذشته است میخواهم و بعد وارد میشوم در اصل مطالب. ماده شش میگوید - مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانونی مقرر شده که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت بجرمهای سابق در وضع آن قانون نیز مؤثر خواهد بود. این يك ماده بود که بنده اینجا تذکراً خواندم....

مدرس - این را هم توضیح بدهید که نسبت بمال نیست. مرور زمان در مال تأثیر ندارد

یاسائی - اصلاً يك عناوینی را که هم شرعاً و هم قانوناً استعمالش يك موارد خاص دارد. جهت بعضی آقایان خلط میکنند. سرقت يك موضوع خاصی است که چهارگانه دارد: سرقت به معنای معمولی. سرقت به معنای راهزنی و قطع طریق. سرقت به معنای اختلاس. سرقت به معنای استلاب. این چیزی که اینجا مطرح مذاکره است اصلاً اختلاس نیست. خیانت در امانت است. (ما این اصطلاح را از قانون مصرها گرفتیم) برای اینکه مالی را به مأمورین مالیه سپردیم آنها را امین قرار دادیم بعد مثلاً خیانت کردند در امانت. اختلاس به معنای شرعی یعنی کش رفتن مال غیر بیک طرز خاصی است در اطاعتان نشسته اید يك کسی وارد میشود شمارا حساب میکند بطوری که ملتفت نیستید يك صندوقی را میبرد و بر میدارد میبرد. یکوقت هم نشسته اید و چیزی جلو رویتان گذاشته اید و ملتفت هستید بر میدارد میقايد در میبرد. اگر قاپیدو در رفت آن

را شرعاً استلاب میگویند. سارق هست ولی شرعاً حدش حد سارق نیست و به حد قطع بد نمیرسد اما اگر کسی سرقت کرد بطوریکه کسی ملتفت نشد آزا اختلاس میگویند آنها سرقت است ولی بحد قطع بد نیست ولی يك سرقت سرقی است با شرایط هفت و هشت و ده گانه و بقول یکی از رفقا با شرایط سی گانه که ممکن است قطع بد کرد. یکی هم قطع طریق است که مجازاتش معلوم است. بنا بر این اختلاس سرقت است و اینکه اینجا مطرح مذاکره است اختلاس نیست خیانت در امانت است. ما وقتیکه این قانون را وضع میکردیم بقوانین مصری که انحاز از قوانین اروپائی کرده بودند مراجعه کردیم دیدیم این لغت را معمول کرده اند ما هم قبول کردیم يك وقتی هم در قانون جزای غیر رسمی که دولت نوشته بود این اصطلاح را معمول کرده اند ما هم قبول کردیم يك وقتی هم در قانون جزای غیر رسمی که دولت نوشته بود این اصطلاح را معمول کرده اند. در محاکم هم جاری شده بود و تلفظ میشد ما هم ابقا کردیم. حالا آمدیم بخیات در امانت: خیانت در امانت مجازات شدید ندارد خیانت در امانت تعزیر دارد و ما باید يك مجازات وضع کنیم که معادل با تعزیر باشد. يك مجازات خیلی شدیدی حق نداریم وضع کنیم. قبلاً با آقای مدرس و بعضی آقایان دیگر در خارج مذاکره کردیم. ما آمدیم و گفتیم که اگر کسی خیانت کرد در امانتی که از طرف دولت باو سپرده شده است آن مال را از او بگیرند و جریمه اش بکنند جریمه اش این است که دو برابر آنچه که برده است پس بگیرند. مثلاً اگر ده هزار تومان خیانت کرده برده جریمش بیست هزار تومان است. مجازات دیگر بالا از این که اگر کسی که ده هزار تومان برده ده هزار تومان را بگیرند و بیست هزار تومان هم از او جریمه بگیرند؟ بقول آقای مدرس سنك بزرگ علامت زدن است ماکارهامان افراط و تفریط است شما مجازات کوچک را اجرا کنید کاری بکنید که اجرا بشود آنوقت مجازاتهای سنگین را

کنار بگذارید من خوب در نظر دارم آقای مشیرالدوله در کمسیون عدلیه در دوره پنجم میگفتند خوب ضرب المثلی است که میگویند نباید قانون را عصبانی کرد پرسیدم ازشان یعنی چه؟ قانون چطور عصبانی میشود؟ میفرمودند که قانون اگر خیلی شدید باشد و سخت باشد قهراً اجرا نمیشود. شما اصرار نداشته باشید (بفرمایید ایشان) که قانون را عصبانی نکنید.

بامداد - عصبانی نمیکنیم. زمان را عوض میکنیم باسانی - زمان را بموجب آن ماده ای که بنده عرض کردم یعنی ماده شش قانون مجازات عمومی شما باید رعایت این نکته را بکنید که آن موقعی که این قانون را نوشته اند و وضع کرده اند این عمل باینصورتی که حالا شما میخواهید تفسیر کنید جرم شناخته نمیشود مگر آنچه که شرعاً معین کرده اند و شرعاً يك جرم خاصی برای خیانت در امانت نیست مگر اینکه آن مال را از او بگیرند و از نقطه نظر عرفی هم يك جرمی ای میکنند این است که آقایان نباید زیاد اصرار داشته باشند بگذارید این قانون بگذرد که شما به بعد بتوانید مختلسین را مطابق قانون تعقیب کنید و يك اشخاصی هم که جرائم آنها در وزارت عدلیه تحت تعقیب است به مجازات برسند و در آتی هم این قانون انشاء الله اجرا میشود این طور اختلاس ها کمتر اتفاق میافتد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای بامداد آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلبی برخواستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی (بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که خائنین و مختلسین از مال دولت از ده سال قبل تحت محاکمه و تعقیب درآیند

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - بنده امیدوارم که يك زمانی برسد

داشته باشند او خودش مطابق الحائین خائف خوف را دارد، اگر چنانچه مقصود آقا این است که خوف پیدا کند بنده به آقا اطمینان میدهم که خوف را داشته باشد ولی اگر مقصود آقا ده سال باشد گناه نمیکم هیچکس از آقایان مخالف باشند اما اگر ده سال عملی باشد. يك اشخاص دزدی کرده اند از مالیه مسلمان که عدش را اگر آقایان به بینند تعجب خواهند کرد میخواهیم این اشخاص تعقیب بشوند ولی اینکه در مجلس عنوان می شود که از اهمیت مجلس کاسته میشود که اگر برای چند نفر قانون بنویسد، خیر اینطور نیست، يك قانونی در مجلس برای شهریه بکنفر میگذرد و جزء قوانین میشود ولی اگر میخواهیم برای سیصد نفر که دزدی کرده اند قانونی بگذاریم از اهمیت مجلس می کاهد؟ اما چون ده سال عملی نیست خوب است که خود آقا این پیشنهاد را استرداد فرمایند و بگذارند که حالا که میخواهند این اشخاص تعقیب شوند با يك ترتیب عملی این قانون بگذرد و بپرداز اجرا کنند.

رئیس - رای میگیریم، آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای عمادی و آقای خطیبی اختصاص به ماده اول ندارد. بعد از ماده دوم قرائت میشود. رای میگیریم به ماده اول. زعیم - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام راجع به حذف يك قسمت.

رئیس - پیشنهاد آقای زعیم (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قسمت ابتدائی از ماده اول تا آخر عبارت قرار منع تعقیب صادر شده باشد یا نشده باشد

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بیانات الکن بنده گمان نمیکم که کاملاً وفا

کنند و آن مقصودی را که دارم تشریح و توضیح کنم این است که از آقایان مخصوصاً آقای وزیر عدلیه نما میکنم که برابض بنده توجه فرمایند و نظر مخالفت هم ندارم و نظر بنده از نقطه نظر قانون گذاری بوده است عرض میکنم ملاحظه فرمایند اگر قابل اصلاح است که تعقیب فرمایند. بنده پیشنهاد حذف کردم برای اینکه بنده وضع این ماده را اولاً با سایر موادی که در قانون مجازات عمومی نوشته شده است تطبیق که میکنم يك عمل عینی می بینم. بنده اصولاً با اینکه مجازات شدیدتری از آنچه که در ماده ۱۵۲ الی ۱۵۷ برای مختلسین معاروم شده است معین شود مخالف نیستم ولی چنانچه در مجلس قبل هم بطور اشاره عرض کردم مخالف این هستم که قانون که اصولاً مخالف اصول مسلمه دنیا است وضع شود چون با این ترتیب هیچ قانونی قانونیت پیدا نمیکند و این مثل سقفی میماند که ما میخواهیم بنیم ولی نه از بالا قوه او را حفظ کند و نه از پایین البته هیچوقت این سقف باقی نمیماند. آقای وزیر عدلیه و آقای یاسائی در جلسه قبل گفتند که میخواهند بعضی مختلسین را مورد تعقیب قرار دهند و ایشان بیان کردند که حقیقه هم سزاوار نیست که يك اشخاصی پول دولت را بخورند و راست راست توی خیابانها راه بروند و این بی ترتیبی و بی مجازات مشوق بد بختی و بد اخلاقی می شود، بنده هم عرض میکنم باید پول دولت را از اینها گرفت و باید هر سیاسی در حدود قانون باشد در باره آنها اعمال بشود یکی از قانون گذارهای بزرگ دنیا میگوید اگر يك بی عدالتی بشود بهتر از این است که قانون نسخ شود و قانون از بین برود و حالا بنده عرض میکنم که يك مورد بخصوص را آدم در نظر بگیرد میتواند قانون بگذراند یا نه ولی عرض میکنم این قانونی که حالا میخواهیم بگذاریم بنظر بنده مخالف اصول مسلمه است و يك کار عیب است که آقای وزیر عدلیه را به انجام آن مقصودی که مثلاً به ایشان

است موفق نمیکنند بلکه بکلی از مقصود هم دور میکنند چرا؟ بنده عرض میکنم مخالف اصول مسلمه است برای اینکه آنچه تا بحال در دنیا اتفاق افتاده است این بوده است که يك موارد جرمی و يك مواردی را در نظر میگرفتند و قانون وضع میکردند برای اینکه بعد ها دیگران مرتکب چنین عملی نشوند اما هیچوقت نشده است که يك قانونی را وضع کنند برای يك اشخاصی که امروز يك جرمی را کرده اند بهترین دلیل همان ماده شش قانون مجازات عمومی است که آقای نماینده محترم قرائت فرمودند بنده هم برای اینکه تکرار شده باشد عرض میکنم که میگوید: مجازات باید بموجب قانونی باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود. این يك اصلی است و بالاضافه يك اصل دیگر هم است و آن این است که اگر يك محاکمی را اساساً خوانند و مربوط بیک عملی دانستیم و آنها قرار منع تعقیب دادند معقول نیست که محکمه دیگر تحت همان عنوان قضیه را تعقیب کند. خود آقای وزیر عدلیه الحمد لله مطلع هستند و این عرضی را هم که بنده میکنم خودشان دقت کنند و بیش از این هم در قسمت منع تعقیب عرض نمیکنم. اما در قسمت مرور زمان هم که نوشته است پنجسال، خوب در قانون مجازات عمومی گویا خلاف را یکسال معین کرده است و جنحه را سه سال و جنایت را ده سال و حالا باید تشخیص بدهیم که این از کدام موارد است خلاف است؟ جنحه است؟ چه است؟...

زوار - ماده ۶۳ است.

زعیم - این مدت پنجسال از کجا بیرون آمده است؟ اینهم خودش يك چیزی است و از جمله دلایلی است که بنده عرض میکنم به آقای وزیر عدلیه که حضرت عالی نمیتوانید با این ترتیب نظریه خودتان را تعقیب کنید. بله بنده مخالف نیستم با اینکه اگر يك راهی پیدا شود درباره این اشخاص مجازات شدیدتری هم اعمال

نوشته شد و مطلب یکی است و تغییر عبارت فرق نمیکنند اساس نظر بنده این است که وقتی که مجلس ملتفت این قانون شد در پیش يك نفر میرود و تاریخ را جلو میاندازد و مال را به دیگری انتقال میدهد و مال را میبرند و میخورند این است که بنده این پیشنهاد را کردم که این راه بسته شود و مال دولت از بین نرود و این تبصره ضمیمه شود که اگر مجلس آمده است مال را نقل به غیر کرده اگر بلا عوض است که مستقیماً دولت بگیرد و اگر با عوض است آن مشتری به مجلس رجوع کند و دولت حق دارد آن عین ملک را که از عین پول خریده است پس بگیرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است که این تبصره خوب نیست، چرا؟ چون ماده در دوره چهارم گذشته است و تعیین مجازات کسی که انتقال مال غیر را به دیگری کرده معین نموده و این ترتیب مجازاتش معلوم شده است و بنده نمیدانم چرا آقای وزیر عدلیه اینرا قبول کردند در آنجا تکلیف این موضوع معین شده است و در واقع رجوع می کنند به اقامه شخص ناک و دعوی شخص ناک و دولت در این موضوع رجوع به آن ماده میکنند و این تبصره لازم نیست

وزیر عدلیه - بنده در عبارت این تبصره يك دست کاری مختصری کردم از نقطه نظر عبارتی. در اصل مقصود بنده تصور میکنم که يك قسمت از این مقصود بدون این ماده سابقاً پیش بینی شده و بدون اینکه این ماده هم باشد ممکن است تعقیب کرد. ولی ممکن است يك معاملاتی بشود که مشمول آن ماده نباشد مثلاً يك کسی رفته است پنج هزار تومان از صندوق وزارت خانه برداشته و يك ملکی را در همین طهران به اسم دیگری معامله کرده است و هم چنین بعضی موارد دیگر هم هست که مشمول آن ماده نمی شود. و رویهمرفته اگر این ماده و تبصره به این شکلی که بنده درست کردم تصویب شود گمان

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ و ۱۵۳ و مواد فوق الذکر محکوم به مجازات ذیل خواهند شد: هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال هرگاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا سه سال خواهد بود.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

رئیس - رأی میگیریم به ماده دوم آقایانیکه موافقت

قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. چند فقره تبصره است که

باید قرائت شود. پیشنهاد آقای عمادی و آقای خطیبی (اینطور خوانده شد)

تبصره ذیل را ضمیمه مینماید:

هر مختلسی مال اختلاس شده را به دیگری نقل داده یا ملکی خریده به دیگری نقل داده آری ندارد. دولت حق دارد بگیرد و اگر اختلاس کننده در انتقال بغیر گرفته رجوع به مجلس نماید.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - در این عبارت توضیح داده شد بدو عرض میکنم چون آقای مدرس فرمودند به این نحو نوشته شود

می کنم ضرری نداشته باشد که توضیح داده شود و ممکن است با اصلاحی که بنده کرده ام این تبصره قرائت شود

رئیس -- قرائت می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

هر مختلسی مال اختلاس شده را به دیگری نقل داده یا ملکی خریده به دیگری نقل داده آن انتقال آری نداشته و دولت حق دارد مال باملك را از شخص نالك بگیرد

رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم .

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرض کنم که در این حرارت ممکن است بعضی چیزها پیشنهاد شود که بدون مطالعه است و در عمل اسباب زحمت می شود . بالاخره يك شخص نالی آمده است و از مأمور مختلس دولت يك ملك و مالی را خریده است بدون اینکه اطلاع داشته باشد و پولش را هم مأمور دولت گرفته است و رفته است و قرار کرده است آن شخص نالك تکلیفش چیست ؟ او که اطلاع نداشته است . پس پیشنهاد کنید که آن شخص نالك در صورتیکه علماً و عامداً خریده باشد ارزش میگیرند یعنی اگر اطلاع داشته است و خریده از او گرفته می شود و اگر اطلاع نداشته است يك مجازات دیگری شخص دیگری باید بشود (نمایندگان . صحیح است)

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قابلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای موقر .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

تبصره -- قاچاقچیان و مستخدمین دولتی که شریک یا همدست با آنها باشند در ردیف مختلسین دولتی محسوب می شوند .

رئیس -- آقای موقر

موقر -- چند روز قبل در ضمن نطق قبل از دستور عرابضی نسبت به قاچاق قند و شکر و چای عرض کردم البته خاطر نمایندگان محترم متوجه است که قند و چای و شکر در جنوب به چه اندازه قاچاق می شود و چه اندازه خسارت به دولت وارد آورده است ولی قاچاقچیان و اعوان و انصار آنها که مستخدمین دولت هستند به سه رشته حقوق دولتی ضرر وارد آورده و می آورند . یکی حقوق گمرکی که مرادف است با همین عایدات داخلی بعلاوه در درجه دوم بعوائد انحصار قند و شکر چای که باید صرف ناسیس راه آهن بشود در درجه سوم به عوارض راه که میبایستی صرف بلدیها و ایجاد راه های شوسه مملکتی بشود . بنا بر این آقایان نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که قاچاق نسبت باختلاس ضرر و زیانش خیلی بیشتر و بالاتر است و اگر جداً و بقوه حبس از آنها جلوگیری نشود به این زودیهها نه راه آهن و نه راه شوسه و نه بلدیها های صحیح و مرتب خواهیم داشت بنده معتقدم که قاچاقچی و مختلس در يك ردیفند و فقط فرقی که بین آنها موجود است این است که مختلس وجوهائی که بنام دولت وصول شده قبل از ابصال به خزانه میرناید و قاچاقچی وجوهی که حتماً متعلق به دولت است و میباید مأخوذ شود قبل از وصول خزانه دولت را از آن محروم میسازد در حقیقت هر دو عمل منتج همان يك نتیجه است که عبارت است از محرومیت خزانه دولت از اخذ مالیات بنابر این بنده وزیر محترم عدلیه که هیچ توجه ندارند و مشغول صحبت هستند نمنا دارم که با این تبصره موافقت فرمایند

بعضی از نمایندگان -- رای بگیرد

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرض میکنم . فرمایشاتی که آقای موقر فرمودند در موقع خودش صحیح است و متأسفانه نمیدانم چه شد که ما در قانون مجازات برای قاچاقچی مجازاتی معین نکردیم و البته میباید يك موادی هم در قانون جزا باشد

که کسانی که قاچاق میکنند مجازات شوند ولی در طی قوانینی که از مجلس گذشته است کوبا در قانون الغاء باج راه ها يك مجازاتی برای قاچاقچی ها معین شده است و حالا لزومی ندارد که در این جا قاچاقچی ها را در ردیف مختلسین حساب کنیم و اگر وقت بفرمائید تصدیق میفرمائید که جرم مختلسین خیلی شدیدتر است درست است که يك مقداری قاچاقچی ضرر به مملکت وارد می آورد ولی جریمت آن به اندازه اختلاس نیست . در هر صورت بنده خیال میکنم که نمی شود قاچاقچی را در ردیف مختلس حساب کرد و باید گذاشت در يك موقع مناسب ری يك قانون برای قاچاقچی ها وضع کرد .

رئیس -- آقای موقر

موقر -- در صورتیکه مجلس موافقت کند در آئیه يك قانون مخصوصی برای قاچاقی وضع کند بنده موافقت میکنم و پیشنهادم را مسترد میدارم .

وزیر عدلیه -- يك لایحه در این خصوص تهیه شده است که بعد تقدیم خواهد شد .

رئیس -- پیشنهاد آقای دهستانی .

(بنحو ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

ورقه هويت مجرم مادام الحیوة دارای علامت مخصوص خواهد بود .

وزیر عدلیه -- دو مرتبه این پیشنهاد را بخوانند

(بمضمون فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه -- بنده نمنا میکنم آقایان از این جزئیات صرف نظر فرمایند . اگر آقایان بخوانند تمام افکار خودشان را امروز روی میز بزنند بنده تصور میکنم این قانون غرق شود .

دهستانی -- چون آقای وزیر عدلیه فرمودند مسترد میدارم .

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی .

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ذیل را بعنوان تبصره اضافه میکنم :
تبصره -- انفصال از خدمت دولت که در مواد سه کانه مذکور بطور موقت معین کرده ایدی خواهد بود وزیر عدلیه -- بنده گمان میکنم که آقا در این موضوع محتاج بتوضیح نخواهند بود . در آن مواد نوشته شده است که انفصال ناده سال باشد و آقا میخواهند این انفصال دائم باشد بنده هم موافقم .

رئیس -- رأی گرفته میشود به این تبصره که ماده سوم باشد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . مذاکرات راجع به کلیات است . مخالفی ندارد ؟

وزیر عدلیه -- يك ماده دیگر هم بوده است

رئیس -- پیشنهاد اصلاحی که در ناله شد دو ماده داشت .

وزیر عدلیه -- در لایحه اصلی که اول تقدیم کردم دو ماده داشت . ماده اول در نحت دو ماده پیشنهاد شد و لایحه اصلی که بنده تقدیم کردم يك ماده دیگری هم دارد .

رئیس -- قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم -- حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی به يك دعوی از محکمه به محکمه دیگر بتوسط دیوان عالی نمیزداده می شود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرائم و خواه بتوسط مستنطق بعمل می آید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی به آنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه

قانون

مجازات مختلسین اموال دولتی

مصوب ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مشروحه در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این قانون مرور زمان پنج سال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهند شد اعم از اینکه نسبت بآنها قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد و هر گاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق را ادا نکنند مطابق ماده دوم قانون جوزای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل مال و غرامت را بپردازند.

هر گاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد.

ماده دوم - اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرمهای مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ شوند علاوه بر مجازاتهای مذکوره در مواد فوق الذکر محکوم بمجازات ذیل خواهند شد هر گاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال.

هر گاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا ده سال.

ماده سوم - انفصال از خدمت دولت که در مواد سه گانه مذکور بطور موقت معین گردیده ابدی خواهد بود ماده چهارم - حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیک دعوی از محکمه بمحکمه دیگر توسط دیوان عالی نمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدمان نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرایم و خواه بتوسط مستنطق بعمل میآید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بآنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه می تواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امر را از دیوان مزبور بنماید.

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه شانزدهم آذر ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

حسین پیرنیا

میتواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امری را از دیوان مزبور بنماید.

رئیس - آقای باستانی

باستانی موافقم.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده چهارم آقایان

موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای فرمند در کلیات

مخالف بودند؟

فرمند - خیر، دیگر عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - رأی گرفته میشود به این قانون که مشتمل بر چهار ماده است. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - جلسه ختم میشود، دستور جلسه آتی بودجه مملکتی.

حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع - اگر آقایان موافقت استدعا میکنم جلسه آتی لایحه شهریه اولادان امین الملک مرزبان مطرح شود.

وزیر عدلیه - لایحه است راجع به اثابیه ولایات

تقدیم میکنم و قسمتی که راجع به اشل بوده است تقاضا میکنم به کمیسیون بودجه فرستاده شود.

رئیس - (خطاب به آقای رفیع) - این پیشنهاد

خودتان را جلسه بعد بفرمائید.